

## جنگ فرسایشی

## جنگ تمام‌عیار



کوروش احمدی

دیدلمات پیشین

تحولات خاورمیانه طی دو هفته گذشته وارد مرحله جدید و چالش‌تری شده است. نتایجیو سه روز بعد از حمله حماس به اسرائیل در ۱۵ مهر از «تغییر نقشه خاورمیانه» سخن گفت و عملیاتی را که به شهادت سیدحسن نصرالله انجامید، «عملیات نظم نوین» نام‌گذاری کرد.

اشارات نتانیاهو و افراطیون اسرائیلی نشان می‌دهد که آنها از ابتدا در نظر داشتن عملیات ۱۵ مهر را به فرصتی برای درگیری با گروه‌های محور مقاومت و تقابل با ایران تبدیل کنند.

بر این مینا، اسرائیل که طی سه ماه اول و با هدف تمرکز بر حماس از بی‌اطلاع بودن ایران و حزب‌الله از حمله ۷ اکتبر سخن می‌گفت، بعد از فراغت نسبی از حماس در غزه طی حملاتی بی‌سابقه در ۲ دی و ۱۳ فروردین چند مقام بلندبالی سایه پاسداران در سوریه را به شهادت رساند. با وجود پاسخ محدود و کم‌دامنه ایران به عملیات ۱۳ فروردین اسرائیل علیه بخش کنسولی سفارت ایران در دمشق، شهادت اسماعیل هنیه در ۱۰ مرداد اقدام تحریک‌آمیز بعدی اسرائیل بود. مقامات ایران به درستی تلاش داشتند از اقدامی که فرصتی را برای گسترش جنگ در منطقه به اسرائیل بدهد، اجتناب کنند. البته دولت آمریکا نیز در جلوگیری از برخورد جدی بین ایران و اسرائیل بی‌تأثیر نبود؛ چراکه واشنگتن می‌داند که در صورت چنین برخوردی ممکن است چاره‌ای جز دخالت به نفع اسرائیل نداشته باشد.

نه‌ایتا در مسیر به اصطلاح «تغییر نقشه خاورمیانه»، حزب‌الله به عنوان هدف بعدی در دستور کار اسرائیل قرار گرفت. ضربه‌زدن به حزب‌الله، هم در سیاست داخلی اسرائیل مورد اجماع است و برای آینده سیاسی نتانیاهو مزایایی دارد و هم به لحاظ دیپلماتیک تقریباً هیچ کشوری به استثنای ایران مخالف جدی آن نیست. اما مشکل نتانیاهو این‌س بود که حزب‌الله نیز از جنگ تمام‌عیار برهیز داشت و هدف عملیاتی که از ۸ اکتبر آغاز کرده بود، تنها فشار به اسرائیل برای آتش‌بسی در غزه بود. مشهور است که سیدحسن نصرالله گفته بود اگر در ژوئیه ۲۰۰۶ می‌دانست که حمله به نفربر اسرائیلی و قتل سه سرباز و اسارت دو سرباز اسرائیلی به جنگ ۳۳‌روزه منجر می‌شد، دست به آن اقدام نمی‌زد. بنابراین اسرائیل تنها بازگرداندن ساکنان آواره شمال اسرائیل به خانه‌های خود و «رفع تهدید حزب‌الله» را بهانه جنگ علیه حزب‌الله قرار داد. سؤال اکنون این است که این «تغییر نقشه خاورمیانه» و «نظم نوین» تا کجا قرار است ادامه یابد.

هدف اسرائیل ظاهراً استفاده از فرصت عملیات ۷ اکتبر برای خاتمه «جنگ سایه‌ها» یا جنگ فرسایشی نامحدود و مدیریت‌شده توسط گروه‌های محور مقاومت در مناطق پیرامونی خود است. این راهبرد می‌تواند با حمایت اروپا و آمریکا و سکوت چین و روسیه و بی‌تفاوتی کشورهای اسلامی-عربی دنبال شود. در شرایطی که اسرائیل تهدید به جنگ تمام‌عیار را به هرچه‌ای برای توقف جنگ فرسایشی تبدیل کرده، سؤال این است که ایران چه می‌تواند بکند. سیاست ایران مبنی بر برهیز از جنگ تمام‌عیار سیاسی درست بوده است. اولاً انتظار این است که حزب‌الله با وجود ضرباتی که متحمل شده، قادر به حفظ تشکیلات و توان نظامی خود باشد و بتواند از خود دفاع کند. ثانیاً انتظار برخی طیف‌ها از مقامات ایرانی برای انجام اقداماتی که می‌تواند به جنگی تمام‌عیار بینجامد، انتظار بجایی نیست. در صورت برخوردی جدی بین ایران و اسرائیل، آمریکا به‌ویژه در این شرایط انتخاباتی در ورود به جنگ تردید نخواهد کرد. نیروی نظامی هیچ قدرت متوسطی برای مصاف با قدرتهای جهانی تدارک نمی‌شود. به علاوه، مشکلات موجود در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاست داخلی، سیاست خارجی، اطلاعاتی و امنیتی مزید بر علت برای اجتناب از یک جنگ گسترده است.

ثالثاً به دلیل مخالفت آمریکا، بعید است اسرائیل ابتدابه‌ساکن قصد ورود به جنگ با ایران را داشته باشد؛ مگر اینکه بتواند بهانه‌ای برای این منظور بیابد. این بهانه می‌تواند حمله‌ای از جانب ایران علیه اسرائیل یا اقدامی در حوزه هسته‌ای باشد. در مورد دوم برخی طی چند روز اخیر توصیه به هسته‌ای‌شدن ایران به عنوان اقدامی برای اجتناب از جنگ تمام‌عیار و واکنشی در قبال تضعیف بازوهای بازدارندگی پیرامونی کرده‌اند. اما چنین توصیه‌ای خود می‌تواند منشأ تهدیدی عظیم برای امنیت ایران باشد. کام‌نپان در چنین مسیری مستلزم تحقق

شرایط متعددی مانند وجود یک سد مستحکم اطلاعاتی، حفاظت اطلاعاتی، امنیتی و ایمنی هسته‌ای … است.

|                                  |
|----------------------------------|
| <span>سه‌شنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۳</span> |
| ۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۶               |
| ۱ اکتبر ۲۰۲۴                     |
| سال بیست‌ویکم                    |
| شماره ۴۹۳۷                       |
| ۲۰ هزار تومان                    |
| ۱۲ صفحه                          |

## روزنامه

**در «شرق» امروز می‌خوانید:**

**صنعت نساجی؛ صنعت فقرزدا • پایان ۴۲ سال همکاری عباس یاری • گفت‌وگو با حامد صحیحی به بهانه نمایشگاهش با عنوان «راز موزی» در پروژه‌های آران**

# شرق

**سخت‌گویی وزارت امور خارجه مواضع رسمی تهران را در قبال جنگ افروزی‌های وحشیانه اسرائیل اعلام کرد**

# وعده تنبیه ایرانی



تحلیل وقایع منطقه بعد از شهادت سیدحسن نصرالله در گفت‌وگو با صادق زیناکلام

## تفرقه و چندگانگی ضد منافع ملی است

این گفت‌وگو از صفحه ۲ بخوانید. عکس: علیرضا رضایی/جهان



شیخ نعیم قاسم معاون دبیرکل حزب‌الله لبنان:

دبیرکل جدید را در اولین فرصت انتخاب می‌کنیم

۲

### برگزیده‌ها

در دیدار نخست‌وزیر روسیه مطرح شد

## تأکید پزشکیان بر همکاری‌های منطقه‌ای

۵

گزارش تحقیقی «شرق» از بیماری خطرناک زگیل تناسلی که در ایران مخفی‌کاری می‌شود

### سانسور درد

۶

گفت‌وگوی «شرق» با پیروز حناچی درباره اتفاقات سه‌ساله دانشگاه‌ها

## حذف استادان غیرقانونی بود

۱۰

مورد عجیب رقیب تراکتور در لیگ قهرمانان آسیا

## خودداری هندی‌ها از سفر به ایران به بهانه عزای عمومی

۹

### مترویا تونل وحشت؟

۸

### نگاه

ایمنی فراموش‌شده کارگران معادن

یادداشتی از مهدی زارع

۱۲

### یادداشت

### تاریخ انتقام می‌گیرد

### آزرنوردبرتراند\*

مترجم:زهرا اکرمی\*\*

دومینیک دو ویلین، نخست‌وزیر سابق فرانسه، درباره اینکه حملات اسرائیل به لبنان چه خطراتی را در پی دارد و اسرائیل به دنبال چیست، توضیحات بسیار ارزنده‌ای ارائه داده است.

او فقدان بینش در میان رهبران کشورهای غربی را به‌شدت مورد انتقاد قرار داده و می‌گوید: «رهبران کشورهای غربی هیچ هدف استراتژیکی ندارند و به‌ویژه هنوز درک نکرده‌اند که نظم نوین جهانی باید بر اصولی استوار باشد… دیپلماسی اروپایی و دیپلماسی آمریکایی فراموش شده و دیگر در عرصه بین‌المللی حضور ندارد.»

فقدان دیپلماسی ناشی از آن است که رهبران کشورهای غربی نتوانسته‌اند خود را از وضعیت ژئوپلیتیک خودشان بیرون بکشند و راهی به سوی دیگر نقاط جهان، به‌ویژه به طرف «کشورهای جنوب»، به سوی قدرت‌های بزرگ نوظهور -مانند کشورهای عضو بریکس- و دیگران بکشایند. دومینیک دو ویلین معتقد است که مسیر کنونی اسرائیل به شکست می‌انجامد؛ چون استفاده از زور، به‌ویژه زمانی که با قوانین بین‌المللی محدود نمی‌شود، فقط به خشونت و بی‌ثباتی بیشتر منجر می‌شود. او می‌گوید: «نگرانم که اسرائیل محکوم است که از جنگی به جنگی دیگر وارد شود و هر بار بیش از گذشته از قدرت نظامی محرب استفاده کند…» چنین جنگ‌هایی می‌توانند امنیت را در دوشنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه حفظ کند؛ ولی نامنی در پنجشنبه و جمعه «دوباره متولد خواهد شد. نامنی دائمی خواهد بود. به‌همین‌دلیل اسرائیلی‌ها این اصطلاح را اختراع کرده‌اند که همه چیز را خلاصه می‌کند. آنها مجبورند «مغف‌ها را کوتاه کنند». بله، جنم خشونت دوباره رشد می‌کند و همیشه قدرتمندتر از گذشته پدیدار می‌شود… تنها راه خروج از این محاصه ایجاد یک دولت فلسطینی و برقراری عدالت است». او وضعیت کنونی جهان را با آنچه به جنگ جهانی دوم انجامید، مقایسه می‌کند و هشدار می‌دهد: «فراموش نکنیم

که جامعه ملل درواقع در سال ۱۹۳۵، زمانی که ایتالیا به ایتوبی حمله کرد، از بین رفت.

### یادداشت

## فرونشست دشت‌ها و فروپاشی کشاورزی



عبدالحسین طوطیایی

پژوهشگرکشاورزی

سانتی‌گراد که منجر به تبخیر بیش از ۱۰ میلیارد مترمکعب منابع آب قابل دسترس می‌شود و مواردی از قبیل فرسایش سالانه دو میلیارد تن خاک را نیز در سیاهه این بحران لحاظ کنیم، با چشم‌اندازی بس نگران‌کننده روبه‌رو می‌شویم؛ دورنمایی که متولیان بخش کشاورزی را ناگزیر خواهد کرد تن به پذیرش و وجود بحران و مبادرت به دگرگونی روش‌های تولید بدهند.

با وجود جابه‌جایی‌های متعدد متولیان بخش کشاورزی، به‌خصوص در این چند سال، متأسفانه به نظر نمی‌رسد که حتی هشدار فرونشست‌های اخیر هم اندکی از روزمرگی سیاست‌های رایج کاسته باشد. سفر و بازدیدهای پی‌درپی مدیریت جدید و در همین روزهای آغازین، از آسودگی خاطر و

### یادداشت

## جایی که شایسته آنیم



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

در حال درج‌ازدن بین دو حالت «پایه» و «بالغ» است (در سایه خشونت- داگلاس نورث). بازتعریف مفهوم «امنیت» و پیوندن آن با «منافع ملی» شاید اساسی‌ترین‌گام در مسیر تغییر این وضعیت است. نگاهی تک‌بعدی و سخت‌افزارانه به «امنیت ملی» که به‌ویژه در این روزها خود را بیش از هر زمان دیگری به رخ می‌کشد؛ چنان‌که مثلاً در گفتار یک کارشناس در شبکه سه سیما و در جواب به سؤالی درباره پاسخ مناسب ایران به حوادث اخیر از «خروج از ان‌پی‌تی و حرکت به سمت ایجاد بازدارندگی کامل هسته‌ای یا به تعبیر ساده‌تر ساخت بمب اتم» سخن گفته می‌شود (فرارو- ۸/۷). سرزمینی با این حد از مزیت و قدرت تمدنی و فرهنگی و انسانی و منابع نفتی و گازی و موقعیت فوق استراتژیک … و متکی شدن به یک سلاح و راهبردی صرفاً نظامی؟! این در حالی است که به قولی «در یک جامعه در حال مدرن‌شدن، امنیت، سخت‌افزار نیست؛ اگرچه آن را در بر می‌گیرد. امنیت، نیروی نظامی نیست، آن را شامل می‌شود؛ بلکه امنیت به معنی توسعه است. بدون توسعه، هیچ‌گونه امنیتی نمی‌تواند وجود داشته باشد. ملت در حال توسعه‌ای که در واقع توسعه ندارد، نمی‌تواند امن باقی بماند» (مفهوم امنیت ملی - رابرت مک نامارا).

۳- مؤلفه قدرت یک کشور در جهان امروز توان تولید و خلاقیت و نوآوری و حضور هر چه بیشتر در زنجیره‌های تولید و ارزش و ارائه تصویر مطلوب‌تر از خود در شبکه‌های عظیم اجتماعی و لایه‌های ذهنی و روانی مردم جهان است و مابقی مزیت‌ها و توانایی‌ها و ازجمله توانایی نظامی، فرح بر آنها و در خدمت ارتقای آن مؤلفه‌هاست. جهان امروز چنان‌که در ابتدای مطلب اشاره شد، جهان توافقات و اشتراک منافع و نه تضاد منافع و الگوهای درون‌گرایانه با ظاهری اخلاقی است (ظلم‌ستیزی و مبارزه با تبعیض در عرصه جهانی و…).

<sup>[1]</sup> ادامه‌در صفحه ۵

<sup>[2]</sup> ادامه‌در صفحه ۵